

بررسی جایگاه سیاسی زنان در زمان حکومت امام علی (ع)

لیلا کمالی

آرزو کریمی

چکیده

این مقاله پس از مقدمه و مفهوم شناسی به شخصیت زن و ویژگی های او، به جایگاه زن در ملت های عقب مانده ، زن در ملت های پیشرفته قبل از اسلام ، زن در میان اعراب جاهلی ، سپس به شخصیت زن در اسلام (در قرآن و روایات) پرداخته و برای اینکه بتوانیم به جایگاه زن بپردازیم لازم بود تا ویژگی های زنان و تفاوت های زن و مرد روشن شود. و در آخر به جایگاه سیاسی زن در نهج البلاغه که سندی محکم از زمان حکومت امام علی (ع) است پرداخته شده است.

کلید واژه: امام علی(ع)، جایگاه سیاسی زن ، زن ، نهج البلاغه ، نقصان عقل

مقدمه

در طول تاریخ در مورد شخصیت زن بسیار گفتگو شده است و افراط و تفریط هایی در نحوه قضاوت پیرامون آنها صورت گرفته است، گاه او را از مقام انسانی پایین کشیده و یا در شخصیت انسانی او تردید کرده اند! و گاه او را به اوج برده و به عنوان جنس برتر معرفی نموده اند.

اما خدا در قرآن ماهیت زن و مرد را یک چیز می‌شمرد: ای مردم پروا کنید از "پروردگارتان که شما را از نفس واحد آفرید و زوجه را از همان چیز آفرید...."^۱

از آنجا که سیره ائمه (ع) منطبق با قرآن و دستورات الهی است، در این مقاله به جایگاه زن در سیره امام علی (ع) و به ویژه جایگاه سیاسی زنان در حکومت امام علی (ع) و بررسی آن در نهج البلاغه که بیانگر شرایط زمان حکومت پنج ساله آن حضرت است پرداخته شده است.

زن در نهج البلاغه با عباراتی چون عقرب، شر، ناقص العقل، ناقص الايمان و ناقص الحظ و... وصف شده است. روایتهای نقصان عقل زنان با سندهای متفاوت در سخنان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نیز آمده است. به همین خاطر این شبهه در جامعه در اذهان برخی رواج یافته که امام علی (علیه السلام) زنان را خوار نموده است؛ چرا که آنان را ناقص العقل شمرده است. بدین ترتیب لازم است که جایگاه سیاسی زن در زمان حکومت امام علی (ع) بررسی شود و همچنین در راستای آن به سوالات زیر پاسخ داده میشود:

شخصیت زن قبل از اسلام چگونه بوده است؟

مهمترین خصوصیت روحی زن کدام است؟

امام علی (ع) زنان را با چه ویژگی هایی معرفی کرده اند؟

منظور امام از نقصان عقلی زنان چیست؟

تحقیقات مرتبط با موضوع زیاد است و از مهمترین آنها نظام حقوق زن در اسلام شهید مطهری و زن در آیینه جمال و جلال الهی آیت الله جوادی آملی، زن در نهج البلاغه نوشته فاطمه علایی رحمانی و مقالات بسیاری که مجال پرداختن به آنها نیست.

۱. سوره مبارکه نساء، آیه یک

مفاهیم

نهج البلاغه : نهج البلاغه و بسیاری از کلمات قصار امیرالمؤمنان علی (علیه السلام)، که در زمان حکومت پنج ساله اش آشکار گشته اند، نمونه ای بارز از جوشش دانش آن حضرت در زمان خلافت است.

هویت زن: هویت زن بر اساس اصل انسانیت و مسئولیت هایی که از این رهگذر متوجه او می گردد، مانند مرد خواهد بود با این تفاوت که به دو جهت وضع فیزیکی و وضعیت خلقی و روانی او برخی از شرایط و مسئولیتهای حیاتی وی با موقعیت مرد تفاوت می یابد. می توان گفت خدای متعال بر اساس عدل و حکمت خویش برای زیستن و حرکت هر یک حد و معیاری معین قرار داده است. *“من يتعد حدود الله فقد ظلم نفسه”* و طبیعی است که هر کس از حد توان و مسئولیت خویش تجاوز کند در وهله اول برای خود مشکلاتی فراهم کرده و به خویش تن ستم کرده است.^۱

در مجموع می توان گفت اگر با نگاهی کلی به ماهیت و هویت انسانی بنگریم می بینیم که انسان اعم از مرد و زن دارای دو عنصر یا دو بعد اساسی است که کلیه رفتارها و غرایز و خواسته های وی به نوعی در این دو بعد مطرح می شود:

الف) جنبه مادی

ب) جنبه معنوی

مرحوم علامه جعفری بر این باور است که علوم روانی و مشاهدات تاریخی به خوبی اثبات می کند که بدون هماهنگ کردن این دو بعد و تنظیم آنها در مجرای زندگی نه تنها رشد و کمال را برای فرد و اجتماع نمی توان انتظار داشت بلکه ناهماهنگی مزبور به اختلالات همه شئون انسانی منجر خواهد شد.^۲

در واقع عنصر معنوی برای تعدیل و صیقلی کردن عوامل و پدیده های مادی است که پیرامون آدمی را فراگرفته است و زن و مرد از نظر موجودیت این دو عنصر در وجودشان، مشترک هستند و جایگاه و موقعیت هر کدام در جهان هستی بر اساس تفاوت های روانی و.... متفاوت خواهد بود.^۳

جایگاه زن در جهان هستی: موقعیت زن در جهان هستی از چند نظر قابل توجه است؛

- جایگاه زن از نظر فردی
- جایگاه زن از نظر اجتماعی
- جایگاه زن از نظر تاریخی
- جایگاه عام، خاص و اخص زن در نظام هستی

۱. بنت اهدا صدر، شخصیت زن مسلمان، ترجمه صادقی اردستانی، تهران، صدرا، ۱۳۷۹، ص ۱۰۸

۲. محمد تقی جعفری، انسان و رسالت انسانی (در تکاپوی معرفت ۵)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۵۲

۳. مریم، معین الاسلام، ناهید طیبی، روانشناسی زن در نهج البلاغه، تهران، بهشت بینش، ۱۳۸۳، ص ۳۶

جایگاه زن از نظر فردی

شکی نیست که انسان در نظام خلقت، خلیفه الله و اشرف مخلوقات و افضل موجودات

جهان هستی است. و نیز شکی نیست که این جمعیت انسانی‌های روی زمین، هنر زنان این جهان است که به خلافت احسن الخالقین آنان را به وجود آورده و پرورش داده اند؛ چنان که منادی حق، قرآن کریم گویای این مطلب است که: "جعل لکم من ازواجکم بنین و حفده"^۱ و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه هایی به وجود آورد.

جایگاه زن از نظر اجتماعی

خداوند، نهایت لطف و مرحمت خود را نسبت به صنف زن، چه در نظام تکوین و چه در مقام تشریع مبذول داشته، چنانکه حضور و استعداد زن را به مقتضای وجود انسانیش در تمام امور متری و متعالی اجتماعی اعلام و اظهار فرمود و زینت بخش امور اختصاصی او که سکون و آرامش خانواده و پرورش فرزندان و بقای نسل انسان است، قرار داد.

میان زن و مرد از جهت تدبیر امور اجتماع با تصمیم گیری و کار، تساوی برقرار است. علتش این است که همان طور که مرد می خواهد زندگی کند، زن نیز می خواهد زندگی کند. همان طور که مرد می تواند خودش در سرنوشت خویش تصمیم بگیرد و مستقلاً عمل کند و نتیجه عمل خود را مالک شود، زن چنین حقی را بدون تفاوت دارد.^۲

لها ما کسبت و علیها ما اکتسبت"^۳ (انسان)، هر کار (نیکی) را انجام دهد، برای خود انجام داده و هر کار (بدی) کند، به زیان خود کرده است"

جایگاه زن از نظر تاریخی

منش مردم جاهلی تاریخ نسبت به زن فوق العاده شگفت آور است. آنان که جدای از منطق وحی و حق میزیستند، زن را همچون ابزار و وسیله برای زندگی هوس بازانه ی مرد می شناختند، خواندن و نوشتن را برای او خطرناک می دانستند، مکان زندگی او را منحصر به چهار دیواری خانه قلمداد می کردند، و وی را در مقابل مرد که موجودی آزاد و دارای اختیاری دانستند، بی اختیار می پنداشتند.^۴

به هر حال؛ جامعه زنان علاوه بر وظیفه خصوصی خویش که وجودش به منزله نیروی مولده جامعه بشری است، همواره

۱. سوره مبارکه نحل، آیه ۷۲

۲. محمدحسین طباطبائی، زن در اسلام، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبائی، ۱۳۸۴، ص ۴۶

۳. سوره مبارکه بقره، آیه ۲۸۶

۴. حسین انصاریان، نظام خانواده در اسلام، قم، انتشارات ام ابیها، ۱۳۷۷، ص ۹۱

خدمتگذار نفوس انسانی بوده و از انجام هیچ فعالیت و هنرمادی و معنوی باز نمانده است، بلکه بیش از اندازه توان خویش استعداد از خود نشان داده؛ چنانکه اگر برای این صنف امکانات و تربیت لازم فراهم بود، شایستگی قبول هر خیر و فیضی را داشت، همان گونه که در صدر اسلام (با وجودی که جاهلیت، قابلیت بشر را نابود ساخته بود) تحت نفوذ تربیت دلسوزانه پیامبر عظیم الشان اسلام (صلی الله علیه و آله) برخی از زنان به استعدادهای فوق العاده دست یافتند و از فیض عالی برخوردار گردیدند و به کمال انسانی رسیدند؛ مانند خدیجه (سلام الله علیها) که ثروت و شهرت خویش را در پای درخت نبوت ریخت و شکوفه زهرا (سلام الله علیها) از درخت وجود پاک او روید.

جایگاه عام، خاص و اخص زن در نظام هستی

در نظام هستی، هر موجودی دارای سه جایگاه است: جایگاه عام، خاص و اخص. این سه جایگاه، معلول سه سنت الهی است:

- سنت عام که بدون استثنا هر موجودی را در برمی گیرد.
- سنت خاص که برخی آفریده ها را شامل می شود.
- سنت اخص که نوع یا صنف بسیار خاصی از مراتب موجود را در برمی گیرد.

جایگاه عام زن، همان جایگاه موجودات دیگر به عنوان آفریده خدای تعالی است و آن تسبیح و تقدیس و ستایش خدا در تمام مراتب وجودی اوست، زیرا در تمام آن مراتب به خدا وابسته بوده و در عین حال مشمول هدایت عام و آفرینش نیکو نیز می باشد.^۱

جایگاه خاص زن، به لحاظ داشتن حیات و نفس دارای مراتب، به ظهور رساندن قوا و استعدادها در همه مراتب نفس است، که در دو مرتبه نباتی و حیوانی به طور تکوینی و طبیعی شکوفا می شوند. اما شکوفایی قوا در مرتبه انسانی و عقلی، اختیاری و ارادی بر اساس آگاهی و هدف خاص امکان پذیر است. زن در آن دو مرتبه با حیوانات و گیاهان مشترک است و همان سنت خاص حاکم بر آنها بر وجود زن نیز حاکم است.

جایگاه اخص زن، این است که با تشخیص حق از باطل و پذیرش دین، فطرت پاک انسانی را در خویش شکوفا سازد و با آرایش نفس به فضایل اخلاقی، به ابعاد روحی خویش رنگ الهی بدهد.^۲

روشن است که زن در تمام جایگاه های بیان شده، همتای مرد است، چون هر دو از یک سنخ و گونه هستند و هر دو از یک نفس واحد خلق شده اند.

۱. محمدرضا امین زاده، جایگاه اخص و ممتاز زن، تهران، مرکز چاپ و نشر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۱۴

۲. همان، ص ۱۶

• پرهیز از مشورت با زنان^۱

در چهار سخن، مشورت با زنان نکوهش شده و حضرت بر پرهیز از رایزنی با آنان تأکید ورزیده است.

__ پرهیز از مشورت با زنان که رأی آنان به سستی کشاند.

__ پرهیز از مشورت با زنان، جز آن کس که کمال عقلش تجربه شده است.

__ زمانی رسد که سخن چینان، مقرب دستگاه حکومت شوند و فاجران مورد

توجه قرار گیرند. در این هنگام، حکومت، با مشورت زنان و حکمرانی بیچه گان باشد.

__ آن کس که زنی نادان را امین شمارد و با وی مشورت کند و بپذیرد، پشیمان گردد.

__ ناپایداری تصمیمات زنان که امام علی (علیه السلام) به آن اشاره می کنند، ناشی از دخالت احساسات و عواطف در آنهاست. در واقع همان گونه که احساسات، زودگذر و ناپایدار هستند، تصمیماتی که بر اساس احساسات گرفته می شوند نیز ناپایدار خواهد بود.

نابرابری حقوق زن و مرد^۲

• نابرابری ارث و شهادت زن و مرد

امام علی (علیه السلام) بر نابرابری ارث و گواهی زنان در محکمه های قضایی تأکید ورزیده و آن را سبب نقصان بهره و کم خردی گرفته است. چنانچه در خطبه ۸۰ نهج البلاغه می فرماید: "به راستی که زنان کم ایمان و کم بهره و کم خردند ای مردم... نقصان بهره ایشان، نصف بودن سهم آنان از میراث است نسبت به سهم مردان؛ و نشانه ناتمامی خرد ایشان این است که گواهی دو زن چون گواهی یک مرد به حساب می آید".

امام علی (علیه السلام) نابرابری بهره را در ارث می داند که قبلاً به آن اشاره شد. (تفاوت ارث به خاطر وضع خاصی است که زن از لحاظ مهر و نفقه دارد. و علت نابرابری شهادت را هم نقصان عقل زنان عنوان فرموده اند که این مطلب هم قبلاً اشاره شد که منظور امام نقص کمی بوده است نه نقص کیفی و ارزشی).

• وصیت نکردن به زنان

امام علی (علیه السلام) فرمودند: "به زنان وصیت نشود؛ زیرا خداوند می فرماید: ثروتها را به سفیهان و نادانان نسپارید"^۳

۱. مهدی مهریزی، زن، ص ۲۵۰

۲. همان، ص ۲۹۰

۳. ابن بابویه القمی، ابی جعفر محمد بن علی ابن حسین (شیخ صدوق)، من لایحضر الفقیه، ج ۴، تهران، نشر صدوق، ۱۳۶۷، ص ۲۲۶

امام علی(علیه السلام) علت وصیت نکردن به زنان را نیز نقص عقل زنان عنوان کرده اند که قبلاً به آن اشاره شد.

سیره عملی امام علی(ع) در مورد زنان

بسیاری از افراد کلام و گفتارشان با عملشان تفاوت دارد و به آنچه به مردم میگویند عمل نمی کنند. یک بررسی اجمالی در سیره امام علی(علیه السلام) ثابت می کند که آن حضرت به خانواده و همسر دلبستگی و علاقه بسیاری داشته و علیرغم سنت جاهلیت به شخصیت و مقام زن احترام می گذاشتند. ایشان نه تنها در خانه شریک زندگی همسر خود بوده بلکه مردان را نیز به پاسداری از حقوق زن توصیه می کردند و کوششهای زنان را در امور منزل و تربیت فرزندان ارج می نهادند.

نتیجه گیری

از مطالب عنوان شده در رساله حاضر نتایجی که بدست می آید به قرار زیر است:

زنان در طول تاریخ همواره مورد ظلم قرار گرفته اند. عده ای زنان را ضعیف و ناکارآمد و موجودی فرعی دانسته اند که وجودش تابع زندگی مردان است. دراین میان دین بعنوان هدایتگر واقعی بشر و مربی او، به مسئله زن نگاهی همه سویه و دقیق داشته و زن را با ویژگی های زنانه جلوه ای از جمال الهی و خلیفه خدا و مرد را خلیفه دیگر که مظهر جلال خداوندی است.

حضرت امیر (ع) بعنوان پدر امت اسلامی در نهج البلاغه سخنانی در مورد زنان می فرماید که در طول تاریخ با شبهات گوناگون همراه بوده است. از مجموع بررسی هایی که در خطبه هشتاد نهج البلاغه و دیگر سخنان امام (ع) صورت گرفت؛ می توان گفت که:

الف) نهج البلاغه را باید در کنار قرآن تفسیر کرد و به تبیین آن پرداخت همانگونه که فراض های مختلف آن هم باید با سخنان دیگر امام (ع) در همان کتاب یا کتب دیگر مورد بررسی قرار گیرد. درقرآن حتی یک آیه وجود ندارد که در دو موضوع عقل و ایمان ، مردان را بر زنان و یا زنان را بر مردان ترجیح دهد. آیات قرآن دو صنف را در اوصاف عالی انسانی مشترک می داند.

ب) نواقص العقول تنها در نهج البلاغه مطرح نشده است؛ بلکه از قول حضرت رسول (ص) نیز روایت شده است که البته این نقص نسبی است و نسبت به مرد سنجیده می شود.

ج) عام بودن این خطبه که مرجع آن را عموم زنان بدانیم با روایت دیگر حضرت که می فرماید: "اگر کمال عقل زنان در شما ثابت شد با آنان مشورت کنید"؛ تخصیص می خورد و می توان گفت جنگ جمل و وجود زنانی که تنها اسیر عواطف بوده و از حیطة عقلانیت خارج شده اند؛ تنها مصداقی است برای بیان یک حقیقت و آن این است که زنان نوعا و در موارد متعدد تحت تاثیر عواطف خود قرار میگیرند و تصمیم ها و قضاوت های ناپایدار و دور از منطق می گیرند. و بیان امام تنها در مقام آسیب زدایی از جامعه بوده است.

د) نکته مهم و قابل توجه آن است که سیره عملی و قول معصوم در مقایسه با یکدیگر بررسی می شود. و در سیره و روش عملی حضرت هرگز هرج و مرج وجود نداشته و از نظر رفتاری نیز منش آن حضرت کاملا قانونمند و اصولی است. و زنان رشد یافته در مهد شریعت مورد احترام حضرت علی (ع) بوده و هستند.

فهرست منابع و مآخذ

*قرآن کریم، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳

۱. امین زاده محمدرضا، جایگاه اخص و ممتاز زن، تهران، مرکز چاپ و نشر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳
۲. انصاریان، حسین، نظام خانواده در اسلام، قم، انتشارات امّ ابیها، ۱۳۷۷
۳. جان گری، مردان مریخی زنان ونوسی، تهران، انتشارات دانش، ۱۳۷۹
۴. جعفری، محمدتقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱
۵. جعفری، محمدتقی، انسان و رسالت انسانی (در تکاپوی معرفت ۵)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴
۶. جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جلال و جمال، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۷
۷. حسینی، نعمت اله، نقش زنان صالحه در اصلاح جامعه، قم، انتشارات عصر انقلاب، ۱۳۸۴
۸. حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، ۱۰ جلدی، قم، ذوی القربی، ۱۳۸۷
۹. حمیدزاده، اکبر، قطره ای از دریا، ۳ جلدی، تهران، پیام نوین، ۱۳۸۵
۱۰. خامنه ای، محمد، حقوق زن، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵
۱۱. خزعلی، کبری و سیمین دخت بهزادپور و زهرا آیت اللهی، زن (عقل، ایمان، مشورت)، تهران، سفیر صبح، ۱۳۸۰
۱۲. ارشاد، علی اکبر، دانشنامه علوی، ۱۲ جلدی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۲
۱۳. زیبایی نژاد، محمدرضا، سبحانی محمدتقی، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۸
۱۴. صدر، بنت الهدی، شخصیت زن مسلمان، ترجمه صادقی اردستانی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۹
۱۵. ابن بابویه القمی، ابی جعفر محمد بن علی بن حسین (شیخ صدوق)، من لا یحضر الفقیه، ج ۴، تهران، نشر صدوق، ۱۳۶۷
۱۶. محمدحسین، طباطبائی، المیزان تفسیر، ۲۰ جلدی، ترجمه محمدتقی، مصباح یزدی، قم، بنیاد فکری و علمی علامه طباطبائی، ۱۳۷۶

۱۸. علامه طباطبائی، زن در اسلام، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبائی، ۱۳۸۴
۱۹. قائمی، علی، حیات زن در اندیشه اسلامی، تهران، امیری، ۱۳۷۳
۲۰. قائمی امیری، علی، خانواده از دیدگاه امیرالمومنین، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۸۳
۲۱. مشکینی، ازدواج در اسلام، ترجمه آیت الله جنتی، قم، الهادی، ۱۳۸۰
۲۲. معین الاسلام، مریم، طیبی ناهید، روان شناسی زن در نهج البلاغه، تهران، بهشت بینش، ۱۳۸۳
۲۳. مطهری مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، قم، صدرا، ۱۳۷۳
۲۴. مکارم شیرازی و همکاران، ناصر، پیام امیرالمومنین، ۱۶ جلدی، قم، دارالکتاب اسلامی، ۱۳۸۷
۲۵. مهریزی، مهدی، زن، قم، نشر خرم، ۱۳۷۷
۲۶. نوری همدانی، حسین، جایگاه بانوان در اسلام، قم، انتشارات مهدی موعود (عج)، ۱۳۸۳
۲۷. همایونی، علویه، زن مظهر خلاقیت لله، ج ۲، تهران، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷
۲۸. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه
۲۹. فهرست نشریات:
۳۰. پورحسینی، مریم، زن در نهج البلاغه و پاسخ به چند شبهه، مجله مشکاء، شماره ۶۱ و ۶۲، ۱۳۷۹، ۶۸
۳۱. نشریه راه مردم، زن در نهج البلاغه، شماره ۶، ۴/۱۰/۱۳۸۴